

CHRISTIAN  
ATHEISM

TO FOLLOW  
JESUS  
REJECT  
GOD

FOR A  
CROSS-LESS  
CHRISTIANITY

# دوستایی که کانون ملحدان است \*

ترجمه: پریسا رضایی  
آسپریت کئیب

معتقد است که باید شورایی مرکزی متشکل از افراد فاقد دین تشکیل شود. این نهاد باید نمایندگی بی‌ایمانان را برعهده داشته باشد، تا به این ترتیب ندای آنان نیز شنیده شود- که البته همزمان روشن نیست که این ندای اومانیستی اصلاً چه خواهد گفت. آیا اکنون قرار است در شوراها و کمیسیون‌ها سهمی از ملحدان نیز مشارکت داشته باشند؟ و آیا قرار است بی‌خدایان اصرار ورزند که دست‌اندرکاران کلیسا از مجامع محو و نابدید شوند؟ تاکنون کلیه تلاش‌ها برای اینکه اتحادیه‌های ملحدان، زیر یک سقف جمع شوند با شکست مواجه شده است، و حتی اگر چنین هم شود، این عده به یک سازمان جمعی بدل نخواهد شد. حتی شاهدان یهوه در آلمان تعداد بیشتری از افراد را گرد خود می‌آورند، تا کل بی‌ایمانان سازماندهی شده.

تخمین زده می‌شود که بزرگ‌ترین انجمن ملحدان، یعنی اتحادیه‌ی اومانیست‌های آلمان، به دشواری بالغ بر ۱۰ هزار عضو داشته باشد. هرچند «اتحادیه بین‌المللی بی‌دینان و ملحدان» نامی پرطمطراق دارد، اما این عده فقط نماینده‌ی چند هزار فرد سازمان یافته هستند و بخشی از این عده نیز کسانی هستند که در اتحادیه‌ی اومانیستی نیز عضویت دارند. هواداران آلمانی جنبش «بیدارشدگان» که جنبشی ناتوارالیستی است، به نوبه‌ی خود به بنیاد جوردانو برونو نیز رفت و آمد دارند. در بروشورها، سمینارها و سخنرانی‌ها، همه‌جا به اسامی مشابهی برمی‌خوریم.

فعالان در میان افراد صاحب نظریه‌های انتقادی، فقط محفل کوچکی را تشکیل می‌دهند و افراد در این مجامع به تحسین و تجلیل یکدیگر مشغول هستند. در پاییز سال جاری، بنیاد جوردانو برونو، جایزه‌ی را تحت عنوان «جایزه دشمن» مقرر خواهد کرد که به نام یکی از منتقدان کلیسا نامگذاری شده است. مبلغ این جایزه ۱۰ هزار یورو معین شده است و امسال به «ریچارد داوکینز»، پیش‌قراول فکری جنبش «بیدارشدگان» اختصاص خواهد یافت.

اندیشمند برجسته‌ی آلمانی، در گروه «بیدارشدگان»، میثائیل اشمیت زالومون، سخنگوی این بنیاد است. او جامه‌ی ژولیده و نامرتبی بر تن دارد. اشمیت زالومون در مقام فیلسوف در تریب زندگی می‌کند و «بیانیه اومانیسم تکاملی» نوشته‌ی اوست. در این بیانیه

یک سوم آلمانی‌ها فاقد اندیشه‌های مذهبی به‌شمار می‌آیند- اکنون قرار بر آن است که شورایی مرکزی برای آنان نفوذی مشابه کلیساها ایجاد کند.

هرساله در آغاز ماه ژانویه، سه پادشاه مقدس کنار در خانه «هربرت اشتفن» در ماسترزهاوزن حضور می‌یابند. این به اصطلاح آوازه‌خوانان دوره‌گرد که جوانانی عضو انجمن روستا هستند، ترانه‌ای مذهبی می‌خوانند و به دنبال آن، برای بشارت خود طلب کمک‌های مالی می‌کنند.

اشتنف مردی ثروتمند، ۷۲ ساله، پیش از این صاحب یک میل فروشی بوده و به عبارتی میلیونر است. اما آوازه‌خوانان از او حتی یک سنت هم کاسب نمی‌شوند. اوضاع می‌توانست بهتر از این باشد!

کنار در خانه او تابلویی با این مضمون قرار دارد: «تیباش ممنوع!» هربرت اشتفن در این روستای واقع در هونزروک، منطقه‌ای عاری از دین تأسیس کرده است. پشت در خانه او، مقر اصلی بی‌ایمانان آلمانی قرار دارد.

بنیاد «جوردانو برونو» که به نام کافری سوزانده شده در سال ۱۶۰۰ نامگذاری شده است، می‌کوشد از شهر ماسترزهاوزن همه‌ی آن کسانی را سازماندهی کند که اعتقادی به خدا و کلیسا ندارند. این بنیاد به آنان قابلیت‌الهیات‌شناختی می‌بخشد و مجمعی برای تحقیق و گفت‌وگوی ملحدان آلمان است. می‌توان به این صورت نیز گفت: بنیاد جوردانو برونو بالاترین مرجع فکری آن عده‌ای است که به سرکردگان روحانی اعتماد ندارند و این، طبیعتاً کاری است به نسبت پردردسر.

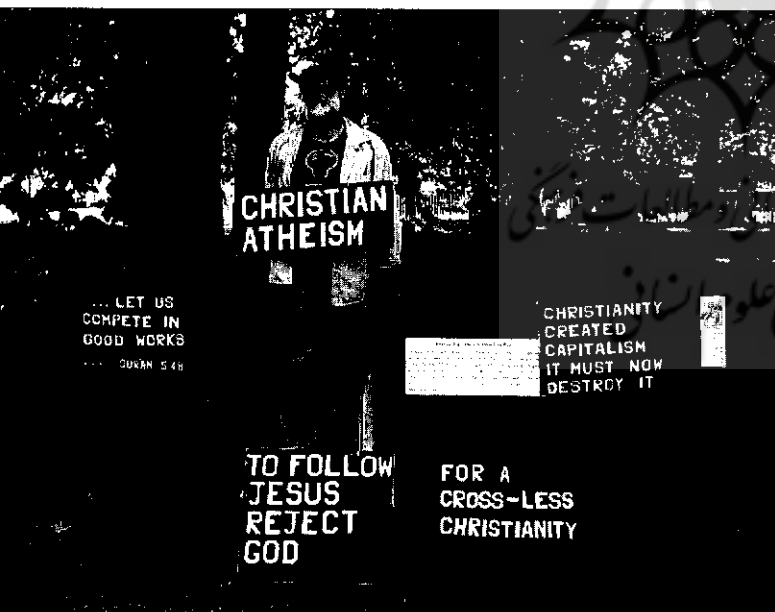
تقریباً یک‌سوم آلمانی‌ها، فاقد باورهای مذهبی هستند، رقمی معادل هواداران هر یک از مذاهب کاتولیک و انجیلی، به این ترتیب غیرمسیحیان، گروه جمعیتی‌ای را تشکیل می‌دهند که به همان نسبت دارای قدرت است، اما آنان برای نمونه در شوراهای رادیویی یا کمیسیون‌های اخلاقی جمهوری نماینده‌ای ندارند. هر کجا که در کمیسینی، گروه‌های مهمی در جامعه حضور داشته باشند، کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در آنجا حاضر هستند، اما هرگز از گروه‌های غیردینی خبری نیست.

«میثائیل اشمیت زالومون»، ۳۹ ساله، سخنگوی بنیاد فوق،

توجه در کشوری دین پرهیز است: «طنز کلیسایی و تابوشکنی هدفدار.»  
برای نمونه در سال ۲۰۰۵ در کارناوال شهر دوسلدورف، عروسک کاردینال  
«یواخیم مایزتر» اهل کلن را به صورت مجسمه‌ای از کاغذهای باطله به نمایش  
گذاشتند که همراه او زنی بر روی تل هیزم در حال آتش گرفتن به نمایش  
گذاشته شده بود. سال گذشته نیز سوءقصد کنندگان انتحاری را به باد طنز  
گرفتند و پیش از آن هم زمانی موافقان نصب کردن صلیب در کلاس‌های  
درس را مسخره کردند.

نام استاد طراح کارناوال دوسلدورف «ژاک تیلی» است. او نیز جزو هیأت  
مشاوره‌ی بنیاد جوردانو بوفو است. ارابه‌های کفرآمیز او در کارناوال‌ها به نسبت  
هر بحثی درباره‌ی اومانیزم تکاملی به عنوان فرهنگ غالب، بازتاب بیشتری  
یافتند. هیچ کدام از این‌ها اخلاقی در کار آوازه‌خوانان جلوی عمارت این بنیاد  
در هونزروک ایجاد نمی‌کند. آنان جسورانه هر سال به آنجا می‌آیند، تقاضای  
کمک مالی می‌کنند و روی در می‌نویسند: C+M+B که حروف اول اسامی  
کاسپار، ملکپور و بالتازار نیست، بلکه به معنای Christus mansionem  
benedict است: «خداوند این خانه را برکت دهد.»

هفته‌نامه اشپیگل - ۲۷ مه ۲۰۰۷



آمده است که خدا یک «پدر اعظم تخیلی» است.  
در گذشته این بیانیه در قالب کتاب، برای مدتی در زمهری پر فروش‌ترین  
کتاب‌ها بود. در عید پاک، او در برنامه‌ی صبحگاهی فرستنده sat3 حضور یافت.  
به دنبال آن، این بیانیه در جایگاه دوم پر فروش‌ترین‌های سایت آمازون، پس از  
«هری پاتر»، اما پیش از کتاب پاپ بندیکت شانزدهم قرار گرفت.

اشمیت زالومون در اتاق نشیمن عمارت این بنیاد نشسته و قرار است درباره‌ی  
این موضوع توضیحاتی بدهد که چرا در آلمان ملحدان نقشی تا این حد محقرانه  
بازی میکنند؟ او می‌گوید که آلمان یکی از قدرتمندترین کشورهای دین پرهیز  
(سکولار) در جهان است. دین برای اکثر مردم در زندگی روزمره چندان نقشی  
ایفا نمی‌کند و مخالفان مسیحیت تا حدودی فاقد حریف هستند.

اشمیت زالومون می‌گوید که کلیساها ایمان و مراسم عبادی را تا حدود  
بسیاری عرفان‌زدایی کرده‌اند. انحصاری بودن مشخصه‌ی اصلی اومانیزم‌ها،  
یعنی تعقل‌گرایی در شرف از میان رفتن است. اگر کلیساها هر روز دنبوی‌تر  
می‌شوند، به همان نسبت هم دشوارتر می‌توان از آن‌ها دل برید.

اشمیت زالومون خواستار آن است که بنا به تقسیم‌بندی جمعیتی، از هر  
سه روز اعیاد مذهبی، یکی حذف و به جای آن تعطیلی دیگری جایگزین شود،  
برای نمونه روزی برای یادبود «چارلز داروین»، این خواسته شاید منطقی به  
نظر رسد و خواسته‌ای مناسب حال توده‌ها نیز باشد. برای اکثر آلمانی‌ها و حتی  
مسیحیان، احتمالاً فرقی نمی‌کند که در آینده عید پنجاهه دیگر پنجاهه نامیده  
نشود. در هر حال به ندرت کسی می‌تواند تعریفی از این عید ارائه دهد، چیزی  
که مهم خواهد بود، این است که آن روز دوشنبه، تعطیل باشد.

به ندرت انسانی فاقد دین یافت می‌شود که مانند «یانوش»، نویسنده  
کتاب‌های کودکان که به سبب حکایت‌های دوست‌داشتنی ببر و خرس شهرت  
یافته‌است، دارای انگیزه‌هایی قوی باشد. یانوش در زمهری مشاوران این بنیاد  
است. در کودکی، کاتولیک‌ها با اصل خود مبنی بر گناه اولیه‌ی آدم و حواء مایه  
وحشت او شده بودند و این کابوس تا امروز گریبان‌گیر اوست. می‌گوید: «قبول  
کردن این باور بی‌معنای کاتولیک، برای من بزرگ‌ترین بدبختی در زندگی‌ام  
بود. متولد شدن از نظر یک فرد کاتولیک، نخستین گناه کبیره است. این اصل  
چنان یابوه است که نمی‌توان آن‌را تحمل کرد. به دنیا آوردن کودکی در مقام  
یک فرد کاتولیک یعنی بار گناه را بر گردن آن کودک نهادن.»

این روزها نقاشی‌هایی شرورانه از یانوش به عنوان کارت پستال در این بنیاد  
دیده می‌شود. یکی از مضامین این نقاشی‌ها، نوزادی را نشان می‌دهد که به هنگام  
غسل تعمید، صلیبی را به قلبش فرو می‌کنند. احتمالاً این تنها راه برای جلب

CHRISTIAN  
ATHEISM